



مرجان صابنی به این نوع موسیقی شده. او با بیش از سده‌ده فعالیت در آموزشگاه خود در خیابان ملاصدرا، توانسته علاوه بر تربیت مربیان موسیقی، مردم را هم با موسیقی کودکان به شکلی جدی و قابل احترام آشنا کند. خروجی این تلاش‌ها، در بیش از یک دهه اجرای کنسرت کودکان قابل رویت است. همسو با چنین جریانی، آموزش موسیقی به کودکان در میان قشرهای متوسط و البته مرفه جامعه به یک پز فرهنگی هم بدل شده اما آموزش اگر با بنیه علمی همراه باشد، هنوز متافان خاص خودش را دارد و این موضوع را می‌توان در استقبال خانواده‌ها از کنسرت‌های کودکان یا به قول نظر، «ناجیان کوچک زمین» دید. بهانه این مصاحبه هم برگزاری یکی از همین کنسرت‌هاست که همزمان با روز جهانی کودک در تهران اجرا شد و اجرای کودکان تحت آموزش «نظر»، مخاطبان را تا حدود زیادی راضی از سالن بیرون آورد.

❧ شما فعالیت‌های گسترده‌ای در آموزش موسیقی کودکان دارید که مبنای آن آموزش روش «آرف» است. این روش چه ویژگی‌هایی نسبت به روش‌های دیگر در آموزش موسیقی کودکان دارد؟

زمانی که «آرف» بحث آموزش موسیقی برای کودکان را مطرح کرد، روش‌های مدون و خاص دیگری وجود نداشت. «دال کروژ» سویسی، «کودای» در مجارستان و سوزوکی نیز به جمع آموزش‌دهندگان و مبتکران آموزش موسیقی کودک پیوستند. آرف سازهایی را اختراع کرد که به‌علت سادگی نواختن، به‌زودی مورد توجه کودکان و نوجوانان و نیز آموزگاران موسیقی قرار گرفت. شاید چون سال‌هاست این روش را کار می‌کنیم به آن عادت کرده‌ایم اما این نوع آموزش در تمام کشورهای دنیا نتیجه داده است. از سال ۱۹۲۰ که این روش مطرح شد، تمام مهد کودک‌های آلمان از آن تبعیت کردند؛ سده‌بودن، گروهی‌بودن و خلاقیت از ویژگی‌های مهم این روش است. موسیقی را به‌نوعی در زمینه آموزش سازهای تخصصی به کودکان متدهایی را تدوین کرده یا «پارتوک» برای کودکان قطعات مدرن پیاپی نوشته و بچه‌ها را با موسیقی قرن بیستم آشنا کرده و «کودای» سیستم آموزش موسیقی مجارستان را متحول کرد ولی باز هم اینها نتوانستند به اندازه سیستم آرف تا این اندازه همه گیر شوند.

به‌نظرم سادگی سازها برای کودکان و اینکه می‌توانند در یکی، دو جلسه اول قطعاتی را بنوازند، خیلی در جلب آنها به این روش مؤثر است... «کودای» معتقد است ابتدا باید اول بچه‌ها خوب بخوانند بعد ساز بزنند، اما «آرف» از همان ابتدا از عنصر ریتم و اعضای بدن Body Percussion استفاده می‌کند. یعنی شما با بشکن یا دست‌زدن می‌توانید صداهای متفاوتی ایجاد کنید و ریتم به‌وجود بیاورید. از نکات مورد توجه دیگر آرف این است که از گام پنتاتونیک به‌عنوان مبنایی برای آموزش موسیقی استفاده می‌کند(گام‌مورد استفاده در کشورهای آسیای جنوب شرقی و اگر تعداد زیادی از بچه‌ها این سازها را با هم بزنند، صدای به‌وجودآمده ناخوشایند نخواهد بود.

❧ کار موسیقی به‌صورت گروهی چقدر در هوش و شخصیت بچه‌ها تاثیر گذار است؟

هدف آموزش موسیقی به کودکان در تمام دنیا فقط خود موسیقی نیست. این نوع آموزش رفته‌رفته به صورت یک عنصر خلاق در کمک به آموزش سایر علوم و فنون نیز برآمده و این خیلی بالاتر از نقش خود موسیقی است. بچه‌ها در گروه، مسوولیت خاصی را بر عهده دارند و به همین خاطر یاد می‌گیرند اگر نباشند کار گروه به هم می‌ریزد. بچه‌ها با این روش مهارت‌های فردی و گروهی را می‌آموزند و به هم کمک می‌کنند. این کمک‌کردن در موسیقی خیلی متوال است چون با هماهنگی هم یک اثر را خلق می‌کنند مورد دیگر اینکه آرف از عنصر بازی و حرکت در آموزش موسیقی استفاده کرد اکثر قطعات آرف جنبه بداهه‌نوازی دارد؛ یعنی همان عنصر خلاقیت. روش آرف به بچه‌ها امکان بداهه‌نوازی می‌دهد تا خودشان موسیقی را خلق کنند و این مساله برای ما خیلی مهم است. احساسی که از به‌وجودآوردن یک ملودی ساده برای بچه‌ها به وجود می‌آید، از هر چیزی بالاتر است. آرف همواره به مربیان موسیقی توصیه می‌کرد: اگر شما بخواهید کارهای من را عینا و بدون کم‌وکاست اجرا کنید، کار بزرگی انجام نده‌اید. او معتقد بود یک معلم موسیقی خوب و خلاق باید از همه امکانات محیطی خود جهت شناسایی موسیقی به کودکان استفاده کند.

❧ آرف یک روش آموزشی مبتنی بر موسیقی غربی است. آیا می‌تواند به‌عنوان پایه موسیقی ایرانی هم تلقی شود؟
بله. همیشه فکر می‌کردم چطور می‌شود این سازها را با موسیقی ایرانی تلفیق کرد. چون ما قبل از انقلاب در ارکستر آرف، تار و سنتور و تنبک داشتیم و آنها را با سازهای آرف ترکیب می‌کردیم اما باز هم از آخر خود سازهای آرف غربی بودند و امکان نواختن ربع‌برده در آنها وجود نداشت. در چندین سال آموزش به این نتیجه رسیدیم که با کمک دوستانی که امکانات فنی ساختن ساز دارند، تینه‌هایی با فواصل ایرانی ساخته شود و این کار انجام شد. خصوصا در کارخانه آرف در شهر مونیخ این تینه‌ها تایید شد و در حال حاضر در ایران ساخته می‌شود. الان بچه‌های ما می‌توانند با استفاده از این تینه‌ها در دستگاه‌های موسیقی ایرانی قطعه بنوازند.

❧ آیا این تینه‌ها تمام دستگاه‌های موسیقی ایرانی را دربر می‌گیرد؟

در حال حاضر می‌توان با جابه‌جایی تینه‌های قبلی و جایگزین کردن تینه‌های ایرانی اکثر دستگاه‌های موسیقی ایرانی را نواخت. بچه‌هایی که وارد کلاس آرف می‌شوند در پایان دوره باید با سازهای گوناگون آشنا شوند. ما می‌خواهیم در همین حین هنر جوانان قطعاتی را بنوازند که در دستگاه‌های موسیقی ایرانی باشد. آمار جدید نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از بچه‌های هفت، هشت‌ساله در حال نواختن سازهای هستند که در میان آنها خیلی هم رایج نیست، مثل عود و کمانچه و قانون. در عین حال ما نمی‌توانیم از موسیقی بین‌المللی و علمی دور شویم. من تعصبی روی نوع موسیقی خاص ندارم اما به‌نظرم بچه‌ها باید همزمان موسیقی غربی و ایرانی را بشناسند. روش آرف از غرب آمده ولیکن بچه‌ها می‌توانند آن را با موسیقی ایرانی تلفیق کنند.

❧ مشکلاتی که الان در موسیقی با وجود دارد این است که برخی از موسیقیدانان یا بهتر بگوییم مربیان ما در کدرست و هم‌زمانی از موسیقی غرب و شرق ندارند. آیا این شناخت هردو فضای موسیقی در کلاس‌های شما منوط به قبل از انتخاب ساز می‌شود، یعنی صرفا جهت آشنایی با فضای موسیقی ایرانی است؟

ما از همین سازها استفاده کرده و فقط تینه‌ها را جایگزین می‌کنیم، مثلا در نواختن دستگاه چهارگاه به جای «را» و «لا» معمولی که روی سازهای آرف است. آنها را با تینه‌های کروژن جایگزین می‌کنیم و این باعث می‌شود تا بچه‌ها اصواتی را که می‌شنوند پرایشان غریب نباشد و با چند بار نواختن متوجه تفاوت این تینه‌ها با نت‌های قبل می‌شوند.

دوستانی که نسبت به آموزش موسیقی ایرانی تعصب دارند، معتقدند امثال من باعث می‌شویم بچه‌ها از مسیر موسیقی ایرانی منحرف شوند، اما اینطور نیست. نزدیک به یک قرن از به‌وجودآمدن روش آموزشی آرف گذشته و به‌صراحت می‌توان گفت بسیار کامل و جامع است. این پتانسیل را دارد که موسیقی ایرانی و هر نوع موسیقی دیگری با آن

چند و چون موسیقی کودکان در گفت‌وگو با «ناصر نظر»:

فکری برای موسیقی کودکان زیر ۱۵سال نشده است



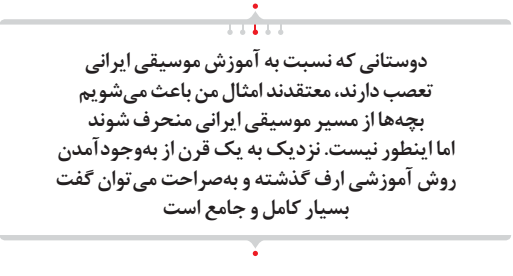
عکس:عیاس کوفوری، شرق

تلفیق شود. کسانی که مخالف آموزش سازهای آرف هستند خودشان در نوشتن متد برای بچه‌ها در موسیقی ایرانی کاری انجام نده‌اند؛ و این در حالی است که برای پیانو و سازهای غربی مرتبا کتاب‌ها و متدهای جدید منتشر می‌شود اما در ایران برای سازهای ایرانی متدهای انگشت‌شماری موجود است. از مجموع متدهای آموزشی کودکان کتاب دستور سنتور و تار و تنبک فقط یکی موجود است و اساسا در کشور ما برای کودکان کمتر از ۱۵ سال در زمینه موسیقی فکری نشده است!

❧ به نظر بهترین بستر آموزش موسیقی برای بچه‌ها مدرسه است...

بله، وقتی موسیقی برای بچه‌ها به‌عنوان یک درس جا بیفتد هم یک فعالیت گروهی و باشاط و هم یک کار ذهنی خلاق انجام می‌شود. به‌نظرم ساده‌ترین فعالیت موسیقی در مدرسه کر (آواز گروهی) است. بچه‌های کر مدارس معمولا فریاد می‌زنند و کسی نیست به آنها تعلیم بدهد. اوایل دهه ۲۰ اشعار کتاب فارسی مقطع دبستان به نت موسیقی تبدیل شد و دوستانی برای آن، آهنگسازی کردند اما متاسفانه این کار متوقف شد. وقتی بچه‌ها شعر را با موزیک یاد می‌گیرند همیشه در ذهنشان باقی می‌ماند. اگر شعر با ریتم و ملودی به بچه‌ها یاد داده شود سرعت فراگیری بیشتری دارد و در نتیجه همیشه به خاطر سپرده می‌شود.

❧ به‌جز شعر، تاثیر موسیقی در یادگیری بقیه دروس هم محسوس است...
به‌هرحال انسان به نشاط نیاز دارد. نشاط برای بچه‌های دبستانی و نوجوانان که در حال انتخاب و تصمیم‌گیری هستند مهم است. این نشاط با موسیقی به دست می‌آید. موسیقی یک فعالیت ذهنی است که باعث بالا بردن قوه تمرکز می‌شود. وقتی شما یک چیزی را خوب بشنوید خوب هم استقبال می‌کنید و جواب می‌دهید. بچهای که در حال خواندن شعر و هم‌زمان ساززدن است از دو نیمگرم مغزش در یک زمان استفاده می‌کند و این فرآیند تاثیر زیادی در فراگیری دروس ریاضی هم دارد.



❧ به خاطر عدم آموزش موسیقی در مدرسه‌ها، پرداختن به موسیقی، مختص کسانی شده که اوضاع مالی بهتری دارند و بعضی خانواده‌ها فکر می‌کنند آموزش موسیقی برای فرزندان‌شان بیشتر کلاس اجتماعی دارد. به نظر تان این فاصله طبقاتی و در دسترس نبودن امکان آموزش موسیقی چه آسیبی به بچه‌ها می‌رساند؟
البته از گذشته موسیقی در جامعه ما مختص طبقات خاصی بوده. اگر قرار باشد کسانی از آموزش موسیقی بهره‌مند باشند که فقط از امکانات مالی خوب برخوردارند پی‌فایده است. اگر بخواهیم موسیقی را به همه یاد بدهیم همانطور که قبلا اشاره کردم جایگاه آن در مدرسه است. یونیسف از سال ۲۰۰۲ مقرر کرد که در تمام مدارس دنیا باید موسیقی به بچه‌ها آموزش داده شود. ایران هم آن را قبول کرد ولی نمی‌دانم چرا این کار انجام نشد. این مساله باید در جایی انعکاس داده شود که چرا مسوولان به این میحت توجه نکردند، خصوصا مربیان هنر مدارس. نقاشی، فیلم، موسیقی... مجموعه‌ای هستند که همگی می‌توانند فرهنگ یک ملت را بسازند. فقط صنعت و تکنولوژی نمی‌تواند کارساز باشد. در پیشرفته‌ترین کشورها هنر و فرهنگ همپای تکنولوژی در حال پیشرفت است. موسیقی برای بشر مانند غذاست، هنرنمنا، به نوعی، پیک پیروزی هر ملتی هستند.

به یاد می‌آورم دورانی که تازه مقطع راهنمایی به وجود آمده بود. جلسات مشاوره گذاشته بودند که هر کسی می‌خواهد چه‌کاره شود، اکثر هم‌کلاسی‌های من می‌گفتند: می‌خواهیم مهندس و دکتر شویم و من گفتم: دوست دارم معلم موسیقی باشم و شدم. آن مشاور تحصیلی خیلی تعجب کرد. شاید اگر حتی می‌گفتم می‌خواهم ساز بزنم عجیب نبود. جالب است بدانیم که در حال حاضر هم نسبت به موسیقی در جامعه سطحی‌نگری وجود دارد و به آن به‌عنوان یک حرفه نگاه نمی‌شود. در دانشگاه‌ها باید مبحثی به‌عنوان معلم موسیقی و تربیت معلم موسیقی داشته باشیم. فارغ‌التحصیلان موسیقی ما در نهایت بیکار می‌شوند چون ارکستری نداریم که آنها را جذب کند و از آنجایی که نیاز به

موسیقی

نت

نگاهی به کنسرت گروه لغزش عارفانه

آنها از متفاوت بودن نمی‌ترسند



حدیث موسیقی و کنسرت‌های بی‌شمار عامه‌پسندی که میهمان سالن‌های کنسرت شهر هستند و بدون توجه به ارزش و کیفیت موسیقایی خود، اتفاقا خوب هم می‌فروشند و دست‌اندرکارانشان را یک‌شبه به سستارگانی نوظهور بدل می‌کنند، حدیث آلبوم‌های موسیقی پر تعدادی که هرروز با تیراز‌های نه‌چندان اندک، بازار مصرف موسیقی کشور را پر کرده و آه از نهاد هر دوستدار هنری برآورده و سطح ذایقه موسیقی عامه مردم را هرروز نازل‌تر می‌کنند، حدیث تازهای نیست، قصه‌برغصه هزاربار گشته‌ای است که دیگر چندان هم میلی به شنیدن نمی‌انگیزد.

اما وقتی در همین میانه عجیب که صدای غالب آن موسیقی عامه‌پسند بازاری است و گروه‌های جوان آن هرروز بیشتر و بیشتر به سودای شهرت و ثروت، تن به ساخت و ارائه آلبوم‌های تکراری بازاری می‌دهند، در همین بازاری که عده زیادی از جوانانش بهمد پول‌های کلان، بی‌آنکه اندک استعدادی داشته باشند، خواننده می‌شوند و آلبوم روانه بازار می‌کنند و سر که بخرخانی، دور و اطرافت از همین در و همسایه و دوست و آشنا حداقل چندتایی خواننده که اتفاقا کلیپ هم دارند، پیدا می‌کنی، رفتن به کنسرتی که گروه جوشان، بی‌ادعا، اثری متفاوت نمی‌نوازد و به موسیقی و مخاطب احترام می‌گذارد، جای بسی خوشوقتی دارد.

کنسرت گروه لغزش عارفانه که چندی‌پیش در تالار ایوان شمس برگزار شد، از آن دسته اجراهاست که چه دوست‌داشتنی باشی و چه نه، چه با سلیقه‌ات جور باشد و چه نه، احترامی در تو برمی‌انگیزد و شوری. احترام از آن‌رو که گروه، بدون توجه به بازار و فروش صرف، در عین شناخت حرف‌های حوزه خود، دست‌به‌کار ساخت آثاری شده‌اند که متفاوت و خلاقند و ششور از آن جهت که امیدوار می‌شوی به اینکه هستند جوانانی که نمی‌ترسند متفاوت باشند، نمی‌ترسند آلبومی به بازار دهند که قرار نیست شعرها و ریتم‌هایش زمزمه مردم کوچه و بازار شود و این اتفاق مهمی است.

گروه لغزش عارفانه به آهنگسازی مشترک بصیر فقیه‌نصیری و احسان غلامی بیزقدار، در این کنسرت، قطعاتی از آلبوم ساکن‌روان که اولین آلبوم همین گروه است و نام کنسرت نیز از آن گرفته شده و اجرا می‌کنند ۱۲قطعه از شاعران معاصری چون فروغ، شاملو، مازاد و... با هم‌نوازی سازهای کلاسیک اجرا می‌شود.

موسیقی لغزش‌عارفانه، فضاسازی خوبی می‌کند و از آن دسته از آثاری است که یک فضای کامل را همچون یک فیلم پیش چشم مخاطب تصویر می‌کند و از این جهت در پارهای قطعات، بسیار به موسیقی فیلم شبیه می‌شود. رابطه ملودی با اشعاری که کمتر ترانه‌سای دارند خوب و جذاب است و در بعضی از قطعات واقعا قابل تحسین می‌شود. اجرای گروه خوب و قابل‌قبول است و بغیر از چند نکته کوچک اشکال چندانی ندارد.

یکی از این نکات توان‌بخود خواننده در تسلط بر بدن و بیان فیزیkal و همین‌طور ارتباط کلامی خارج از خواندن یا مخاطب است که به‌مدد تجربه بیشتری می‌تواند به سطح بهتری برسد و البته گروه پیش از اجرا با دعوت از حمیدرضا دبیار برای نقد اثر دست به کاری می‌زند که نه مرسوم است و نه چندان هم دلیل موجهی دارد.

با همه اینها حاصل کار این گروه چیزی است که به‌شنیدنش می‌آرد.
❧ توانایی مالی ندارند قرار بگیرد؟
من برای همه این کارها آمادگی دارم و دوست دارم کنسرت ما چه به شکل زنده و چه به‌صورت ضبط‌شده در اختیار همه علاقه‌مندان قرار گیرد.
❧ چه مشکلات دیگری در برگزاری کنسرت داشتید؟
خیلی مهم است اگر درخواستی برای اجرای موسیقی داریم به ما کمک کنند و مجوز آن زود صادر شود، البته در حال حاضر خیلی بهتر شده. امیدوارم اجرای چنین برنامه‌هایی راهی باشد به‌سوی ترویج موسیقی خوب و پویا برای بچه‌های ایران‌زمین.

جمع‌به موسیقی

نقش موسیقی در تربیت شنوایی و افزایش مهارت‌های کودکان
فرا تر از سرگرمی

لادن نصیری

اغلب ما فکر می‌کنیم که موسیقی تنها برای سرگرمی است در حالی که موسیقی‌های مناسب و اصوات آهنگینی که در طبیعت وجود دارد موجب تکامل و افزایش توانایی‌های یادگیری در انسان می‌شود. امروزه در کشورهای پیشرفته، در بخش‌های نوزادان و NICU از یک موسیقی ملایم استفاده می‌کنند و نشان داده شده که موسیقی می‌تواند واکنش‌های آ‌آمزش را در نوزادان افزایش دهد و مدت زمان گریه‌کردن و اضطراب را در آنها بکاهد.

گوش‌کردن و شنیدن دو عملکرد کاملا متفاوت هستند. شنیدن، توانایی دریافت اطلاعات شنیداری از طریق اجزای گوش و گوش‌کردن، توانایی تجزیه‌وتحلیل و واکنش در برابر اصوات است. از مقایسه این دو خصیصه با یکدیگر درمی‌یابیم که گوش‌کردن یک کار ارادی و شنیدن یک کار غیرارادی است و متاسفانه دنیای آشفته امروز بر از افرادی است که به‌رغم کارکرد درست بخش شنوایی، دچار ضعف مهارت گوش‌دادن هستند.

به‌طور متوسط در هر ثانیه حدود ۳۰هزاربایت اطلاعات از طریق گوش به مغز وارد می‌شود که اگر در امر ورود این اطلاعات اختلالی ایجاد شود، توانایی تجزیه‌وتحلیل پایین آمده و فرد متهم به کم‌هوشی، حواسپرتی، بی‌دقتی و... می‌شود. بسیاری از کودکان ما که بزرگسالان پرمشکل آینده هستند، دارای اختلالاتی در امر یادگیری می‌باشند که در بیشتر موارد این اختلالات به درست‌گوش‌کردن برمی‌گردد و قابل ترمیم و اصلاح است. یکی از بزرگ‌ترین معضلات و گلایه‌های خانواده‌ها عدم‌دقت و تمرکز فرزندان‌شان در انجام کارهاست که این مشکل، اغلب اوقات به عدم آموزش صحیح برای شنیدن در جامعه برمی‌گردد.

با استفاده از روش‌های صحیح و کاربردی می‌توان فرهنگ و درک موسیقی را به کودک آموزش داد. در اولین گام باید موسیقی مخصوص کودک را به او ارائه دهیم. کودکی که موسیقی را می‌شناسد، با کودکی که هیچ درکی از موسیقی ندارد، متفاوت است. نوجوانی که در کودکی، به هر موسیقی‌ای گوش می‌دهد، در سال‌های بعدی هیچ درک صحیحی از موسیقی نخواهد داشت ولی کودکی که با موسیقی درست و تاثیرگذار آشنا باشد، از همان ابتدا درکی اصولی از موسیقی دارد و به‌راحتی موسیقی اصیل و کاذب را از یکدیگر تشخیص می‌دهد.



در همین زمینه لازم است به نکاتی اشاره کنم که در پی می‌آید:
۱- علاوه بر افزایش خلاقیت کودک، باعث افزایش مهارت‌های کلامی، مهارت خواندن کتب، تسهیل در تلفظ کلمات در سننن خردسالی، افزایش مهارت در حل مسایل ریاضی، مهارت‌های شنیداری، افزایش توانایی ذهنی (بعد فضایی ذهن، محاسباتی (عددی)، ادراکی، عملکردی ذهن و...) می‌شود.
۲- یادگیری یک آلت موسیقی، به کودک در افزایش تمرکز او کمک می‌کند. در دنیای امروز که تمرکز در یک محدوده زمانی روی فعالیتی خاص، یک مهارت و کار شگفت‌انگیز به‌شمار می‌رود، می‌تواند بسیار پراهمیت و باارزش باشد. به‌خصوص در سنین مدرسه، تمرکز روی فعالیت‌های درسی و تمرکز در کلاس درس یک نعمت بزرگ است که اغلب والدینی که فرزند مدرسه‌ای دارند، به آن واقف هستند!

۳- تقویت حس همکاری و مشارکت گروهی: بسیاری از ما صحنه‌هایی از دعوای دو کودک بر سر اسباب‌بازی را مشاهده کرده‌ایم که در بسیاری از مواقع به یک معضل جدی خانواده تبدیل می‌شود زیرا این پیام را می‌رساند که کودک از لحاظ مشارکت گروهی دچار مشکل است. یادگیری یک ساز، در رفع این مشکل بسیار چارساز است به‌خصوص زمانی که کودک در یک گروه موسیقی فعالیت یا کنسرت گروهی برگزار می‌کند یا عملکرد کار گروهی بیشتر آشنا می‌شود.
۴- یادگیری یک آلت موسیقی در زمینه هماهنگی چشم و دست بسیار تاثیرگذار است و به تمرکز ذهنی کودک کمک فراوانی می‌کند.
۵- یادگرفتن موسیقی، باعث افزایش صبر و محافظه‌کاری کودک می‌شود و او می‌آموزد که به‌راحتی کنترل اعصاب خود را از دست ندهد و با صبر و استقامت، حفظ و درک شرایط به مقصود خود برسد و در زندگی آینده با چالش‌های زندگی بهتر مبارزه می‌کند و تصمیمات بهتر، عاقلانه‌تر و جدی‌تری اتخاذ می‌نماید. همچنین این دسته از کودکان نسبت به گروه هم‌سال خود از آرامش بیشتر و اضطراب کمتری برخوردار هستند.

۶- موسیقی موجب تقویت بعد احساسی و هوشی کودک می‌شود.
۷- یادگیری و نواختن یک ساز باعث تقویت حس عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس در کودک می‌شود. او می‌آموزد که چگونه با دیگران ارتباط اجتماعی بهتری برقرار کند و همچنین چگونه از پس نیازهای خود برآید و ابتکار عمل خود را در فضای عمومی و اجتماع به نمایش بگذارد.

